

بقلم: قرنات

دوازده سال در قاهره

- ۳ -

استاد اسماعیل علی مؤلف « النخبه الازهریه » که مفصلترین کتاب در علم جغرافیا بزبان عربی است هموطنان خویش را اینطور معرفی مینماید :

عقیده
يك استاد
مصری

« مصریها آرام و خوشرو و بذله گو هستند ، با دیگران روی طینت خالص و طبع سلیم معامله و رفتار مینمایند ، بیگانه را فریب نمیدهند ، و ای بسا که خود فریفته او می شوند ، در کارهای خود اتکالی هستند مانند مردم مغرب زمین اعتماد بنفس ندارند. در صورتیکه همین اعتماد بنفس مایه اصلی موفقیت در کارها میباشد .

مصریها میلی به غربت و دوری از وطن ندارند ولو موجب سود فراوان و جلب منفعت برای آنها بشود از قدیم الایام به جود و کرم و مهر و وفا معروف شده اند و بیگانه را در کشور خویش بر خود مقدم میدارند . از مهمانان با گشاده روئی و بشاشت پذیرائی مینمایند و این صفات حسنه را بیگانگان ناشی از ترس و بیم می شمارند در صورتیکه از بهترین عاداتی است که موجب مزیت مردم شرق گردیده است . مصریها در کارهای خود کوشا و جدی و با نشاط هستند به تنبلی و بیگاری رغبت نمیکند و هر کاری را که پیش میگیرند با همت و عزم با تمام میرسانند مخصوصاً کشاورز مصری که از دورترین زمانها به صبر و بردباری در تحمل سختیها اشتهار داشته و باندک محضری قناعت مینماید .

اکنون هم چنین است . اما انتقاداتی که بقول مؤلف مزبور نسبت به مصریها وارد میسازند آنست که بیش از حد اعتماد به هوی و هوس و خوشگذرانی میل میکنند و در تقلید از بیگانگان حتی در آنچه بزبان نشان تمام بشود زیاده روی مینمایند ، و تن به استبداد میدهند ، و نیز میگوید مصریها در پنجه استیلای دیگران لاپالی شده اند ، و صفات دلیرانه اجداد خود را بقدریج از دست داده اند ، و از بزرگتران فوق العاده حساب میبرند تا بحدی که حتی از سایه آنها نیز وحشت میکنند . ناگفته نماند که صفات مردم مصر نه تنها در خود مصریان پسندیده است و در خور تمجید است بلکه ما هم که غریب بودیم و با آنها آمیزش و معاشرت داشتیم همین صفات و بهتر از اینها را از اینها را میدیدیم .

ما ، در مدت اقامت طولانی خود راستی یکروز احساس غربت نمیکردیم و حتی يك كلمه که بوی بیمهری و بیگانگی از آن شنیده شود نشنیدیم ، هیچ فردی از افراد را نمی دیدیم که نسبت به ما به نظر بیگانه نگاه

غریب
نوازی

کند و حتی نسبت به سایر خارجیانی هم که در این سر زمین اقامت داشتند همین احساس را داشتند. گویندهٔ ایرانی مصریان را بزبانی ساده چنین وصف می کند :

مصریان مردمی هنرمندند	شوخ. طبعند و دیر میرنجند
دوستی میکنند با مردم	عی نسازند حق کس را گم
کویشان همچو مجمع ملل است	خویشان بی گزندوبی خلل است

از صفات دیگر مصریان که خیلی جالب بنظر میرسد ساده طبیعی و خوش باوری آنهاست که هر چه از کسی بشنوند آنرا باور میکنند زیرا بتصور آنها نمیرسد که ممکن است کسی دروغ بگوید و این عادت

داستانی از سادگی

بیشتر در بین کشاوران و ده نشینان این قوم نمایان است .

برای مثال این سرگذشت ساده را که بین يك دهقان مصری و رندی که از سر زمین دیگری برای کلاشی و کلاه برداری بقاهره آمده بود مینگارم :

این کهنه کار رند هنگامیکه با تراموای شهری حرکت مینمود با يك دهاتی ساده برخورد کرد از وجنات او پی بود پولی همراه دارد ، به او گفت : خداوند که بتو تفضلی کرده و دولتی داده خوب است کار عاقلانه ای هم با پول خود بکنی ، دهاتی ساده لوح بخيال آنکه ناصح مشفق است حرف او را باور کرد و گفت بلی خداوند تفضل کرده و چند شاهی پول بمن عطا فرموده که با خود آورده ام و قصد دارم اینجا تجارت کنم . کهنه رند باو گفت چه تجارتی بهتر از این که این تراموای را بخری و اینهمه پولی که هر روز مردم برای آمدورفت میدهند در کیسه خود بریزی ، مرد دهاتی خوش باور گفت : حرفی ندارم ولی نمیدانم آیا صاحبش آن را میفروشد یا خیر ؟ گفت : البته که میفروشد . دهاتی گفت : ترا بخدا مرا پیش او ببر که با او معامله کنم . کلاش با قیافهٔ حق بجانبی گفت : بختت بیدار است که او الان پیش تو نشسته . گفت : عجب ! او کیست ، پس چرا من او را نمی بینم ؟ گفت : او من هستم که با تو حرف میزنم و خیر تو را میخواهم ، چون از تو خوش آمده حاضر بانجام این معامله شدم . باور کن اگر کس دیگری بود هیچوقت تن با این کار در نمیدادم ، خوب ، دیگر ، اصلا من دوست دارم به ساده دلان خدمت کنم . گفت خدا عمرت بدهد ، حالا بگو تراموای را بچند میفروشی ؟ گفت : من چون ترا مرد خدا خواه و درستی میدانم هر چه تو بگویی میفروشم . دهاتی ساده دل گفت : والله من بیش از دو بیست لیره با خودم ندارم . کهنه رند گفت : همین را بده و خیرش را ببین . پول را گرفت و در اولین ایستگاه که تراموای توقف کرد و مسافرین بالا و پائین رفتند لابلای جمعیت ناپدید شد . مرد دهاتی همچنان بجای خود نشسته بود ، بعد از مدتی بلیط فروش پیش آمد و سؤال کرد : تو بکجا میخواهی بروی که در این مدت پیاده نشدی ؟ دهاتی جواب داد من جائی ندارم بروم ، تراموای را خریدم و اینجا نشسته ام که تو پولها را جمع کنی و آخر وقت بمن بدهی و هر روز هم کارم همین خواهد بود . بلیط فروش فهمید که بیچاره را کهنه رندی فریفته است .

بالاخره او را از راهی که میدانست قانع کرد و باو فهماند که تراموای مال دولت است و آن مرد کلاه برداری بود که او را فریفته و کلاهش را برداشته . آن مرد صاف دل ساده لوح گفت : بسیار خوب منم امرم را بخدا واگذار می کنم تا در عوض پولیکه آن شخص از من برده است بمن عوض بدهد .

این سرگذشت ساده را از بسیاری اشخاص شنیده‌ام و نظایر این سرگذشت‌ها بسیار است. مصریها در بسیاری از صفات با ما ایرانیها شباهت دارند. اولاد، محبت اهل بیت رسالت آنها نیز مانند ما ارادت فوق‌العاده‌ای بخرج میدهند و نسبت به مقام «رأس‌الحسین» و «آرامگاه حضرت زینب» که در قاهره واقع است بی‌اندازه تکریم و تعظیم میکنند و حتی بزرگترین سوگند عامه مردم اینستکه وقتی بخواهند کسی حرفی را بدرستی از آنها قبول کند میگویند: «والسیده زینب کان کذا».

ارادت باهل بیت رسالت

مصریها در عین حسن نیت و صفای قلبی که دارند مانند ایرانیان در انواع صنایع بامهارت و استعداد هستند و میتوانند مصنوعات خارجی را در کمال مهارت بطوریکه هیچ حرفی با اصل نداشته باشد درست کنند. از آن بهتر اینکه هر کاری را هر قدر هم دشوار و تحملش ناگوار باشد برای فراهم شدن وسيله معاش خود پیش میگیرند و از کارفرمای خود هرگز رنجیده خاطر نمیشوند زیرا عقیده دارند اوسرمايه گذارده و حق دارد که هر طور که صلاح و مصلحتش باشد آنها را بکار وادارد.

استعداد صنعتی

عمله ساده مصری کمتر خسته و فرسوده بنظر میرسد. هر شخص غریبی که چند صباحی در خاکشان بسر میبرد مشاهده مینماید که این مردم بصفه سازگاری و قناعت با آنچه برای آنان میسر گردیده راضی و خوشوقت هستند. دیگر از صفات شایان توجهی که در بین مردم مصر بنظر میرسد آنستکه میتوانند با حسن سلوک و روی خوشی که به غریب نشان میدهند و پرا شیفته و مجذوب خود کنند بطوریکه اصلا آنان را نسبت بخوش غریب تشماد، و روی همین صفت استکه آنها نیز توانستند مانند ما بیگانه را در جامعه خویش هضم نمایند و از خود بشمارند.

رعایت آداب مذهبی

از جمله چیزهای جالب توجه دیگری که در این دیار بچشم میخورد آنستکه مردم را در عین اینکه بتجدد و آزادی در لباس و رفتار مانند غریبان هستند آداب دینی و مذهبی را کاملا و در همه حال رعایت مینمایند. اوقات پنجگانه نماز، مساجد بنماز گزاران معمور است و جالبتر از این شوق و شغف عجیبی است که در مردم از بزرگ و کوچک و حتی اطفال غیر بالغ در گرفتن روزه ماه مبارک رمضان دیده میشود.

با اینکه روزها کافهها و حتی باده فروشها آزاد است، مردم همه روزه دارند و کسی در معابر تظاهر بروزه خواری با وجودیکه مانی در مقابل او نیست نمیکند.

شبهای ماه رمضان را با اندازه‌ای باشور و نشور و شادی استقبال میکنند که انسان خیال میکند مردم در اینجا هر شب ماه مبارک را عیددارند از طرفی مساجد باشکوه هر چه تمامتر باز است و مردم بعبادتهای جمعی سرگرم اند و از سوی دیگر دسته دسته مردها و زنها و جوانها در سینماها، کافهها، کلوپها و باشگاههای شبانه وقت را بخوشی و شادکامی میگذرانند.

و حتی پیرامون اماکن مقدسه از قبیل مقام رأس‌الحسین و آرامگاه سیده زینب نیز مشاهده میشود که مردم نشاط عجیبی دارند. گروهی باستماع تلاوت قرآن مجید که قاریان معروف آنجا با تجوید و آهنگ روح نواز میخوانند مشغولند، یا در حلقه صوفیانی که بگفتن ذکر لاله‌الاله ساعتها بسر میبرند درمیآیند، و گروهی دیگر سرگرم خرید و فروش و یا صرف تنقلات از قبیل قهوه شیر و چای و آشامیدنیهای مباح دیگر هستند. در این هنگام انواع

مردم را در لباسها و قیافه‌های مختلف و حتی گاهی دیپلماتهای خارجی را هم که بتماشای آمده‌اند میتوان مشاهده کرد .

مصریها سه عید را خیلی بزرگ و باشکوه میگیرند و آن سه : عید فطر ، عید قربان و عید مولود پینمبر است که در دوازدهم ماه ربیع - الاول هر سال برپا میشود . گرچه عید مولود نبوی را اسماً یک روز میگیرند و مانند دو عید فطر و قربان چند روز تعطیل نمیشود ولی عید مولود را از چند روز پیش استقبال و تا چند روز بعد بدرقه مینمایند و شاید یک هفته را با مراسم و تشریفات عید میگذرانند .

عید الفطر عید الاضحی عید مولود النبی

نیمه ماه شعبان راهم یکی از روزهای مقدس می‌شمارند ولی عیدی که مظاهر آن بیشتر از هر عیدی در مصر جلوه میکند عیدی است که بنام «شم النسیم» سالی یکروز در اواخر فروردین ماه ایرانیان برپا میشود

لیلة المراد - شم النسیم

و شباهتی کلی بروز «سیزده بدر» مادارد . در این روز است که همه طبقات از مسلمان و مسیحی همه کارها را تعطیل میکنند، و حتی مطبوعات که در تمام مدت سال همه روزه حتی روزهای جمعه انتشار مییابد روز «شم النسیم» منتشر نمیشود. در این روز گردشهای تفریحی رفتن به باغستانها و قایقرانی و شترسواری و اسب‌دوانی و تماشای اهرام با عظمت و معجزه آسای مصر قدیم رواج عجیبی دارد و کمتر خانواده‌ای بنظر میرسد که افرادش، آنروز را در خانه بسر ببرند . در این روز با پیروی از سنت باستانی خوراک مخصوصی بنام «فسیخ» که جزء اعظم آن ماهی شور و پیاز و سبزی است تناول میکنند. و در سایر اعیاد اگرچه غذای بخصوصی ندارند ولی معمولاً لذیذترین و پرمایه‌ترین غذاها را در چنین ایامی روبراه مینمایند و نیز نان شیرینی که آنرا «کمک العید» میگویند در روزهای عید و قبل و بعد از آن بصورت تعارف (نظیر نذرهای ایرانی) بین خانواده‌ها رد و بدل میشود.

دید و بازدیدهای خانوادگی و دوستانه تا آنجا که خودم شاهد بوده و ملاحظه نموده‌ام بین همه افراد و طبقات خیلی ساده و بی‌تکلف انجام میگردد . صاحبخانه از مهمان همینقدر سؤال میکند که: آیا

دید و بازدیدهای خانوادگی

چای ، قهوه یا نوشیدنی سردی میل دارید؟ مهمان هم بهر یک مایل باشد بدون تعارف میطلبد، و اگر تمایلی نشان ندهد میزبان با اصرار (چنانکه عادت ماست) چیزی باو نمیخوردند. اما تعارفات لفظی بین آنها زیاد رد و بدل میشود ولی نه چندانکه بوی مبالغه و اغراق از آن استشمام بشود .